

# سینه سینه

نگارگری در چگونگی استمرار هنرهای ایرانی از سینه به سینه با برپا شدن سینه به سینه از دور و دورهای

(۴)

دکتر مهدی غروی



تصویری از کتاب آغانی که بیست مجلد بوده و فقط شش مجلد آن در دست است ، مصنف کتاب دانشمند معروف دنیای اسلام ابوالفرج اصفهانی است ، از شش مجلد باقی مانده یکی در کپنهاک ، دونسخه در قاهره و سه نسخه در استانبول است . این کتابها در قرن ششم هجری در موصل نوشته شده‌اند و هر کدام یک تصویر در صفحه اول خود دارند . درین تصویر که ما گراور کرده‌ایم ، پادشاه یا امیر که سوار بر اسب است و بجای قرص خورشید (هاله نور) هلال قمر را در بالای سرش تصویر کرده‌اند ، یا هیكلی درشت در جلو هفت دختر که لباسهای رنگی بسیار زیبا پوشیده‌اند دیده می‌شود . روی لباس این امیر نامش بدرالدین لولو نوشته شده است . دویذ تالبوت رایس که این نقاشی را در کتاب خود هنر اسلامی ، ص ۱۰۶ آورده است از عهده تشخیص نام امیر بر نیامده ، اما به آثار نفوذ هنر بومی ایران به خصوص آثار مانویان در خلق این اثر اشاره دارد .



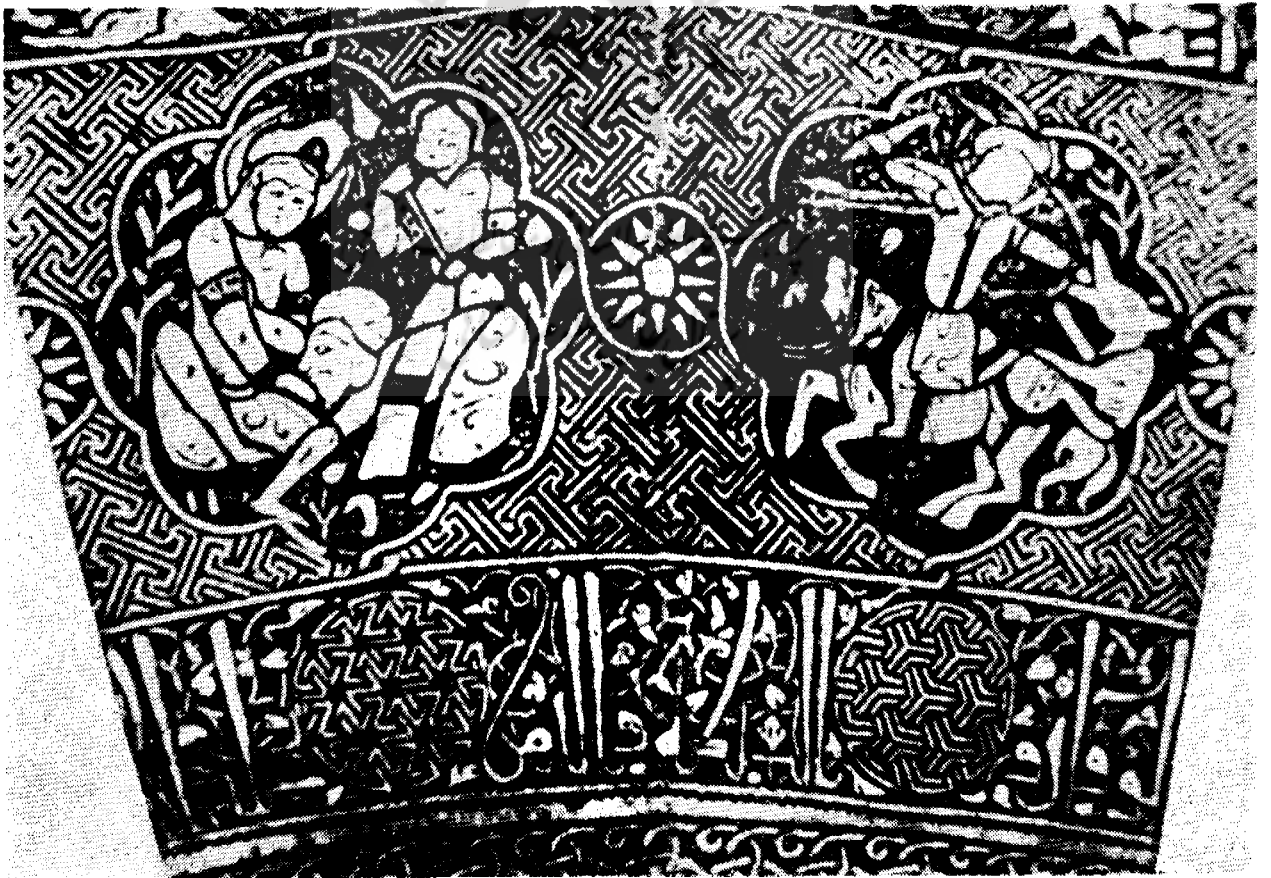
بالا : آفتابه مفرغی با نقوش نقره‌ای و زمینه سیاه متعلق به موزه ویکتوریا و آلبرت لندن ، قرن ۱۲ یا ۱۳ ، در این تصویر نقش يك روحانی را که به سبک بوداییها نشسته و هلال ماه به گردن دارد مشاهده می کنیم ، نقش دیگر زنی را نشان می دهد که دومیغ بر بالای سرش ایستاده اند ، نقش های زنجیرهای هندسی مشابه است با کار هنرمندان سوری و مصری ، اقتباس از مجموعه بررسی هنر ایران ص ۱۳۲۷ .

عکسهای صفحه روبرو :

دومجلس منقور در روی يك آفتابه مسی ، نقره‌ای و مفرغی که به موزه بریتانیا تعلق دارد ، در روی این آفتابه جمعاً ۵ مجلس هست ، تاریخ اجرا رجب ۶۴۹ و مجری آن شجاع بن منعم موصلی است . قرن هفتم ، قرن آغاز تصویرنگاری شاهنامه ای است که مناسبانه تصویری از آن عهد برجای نمانده در شماره ۳ دومجلس ملاحظه می کنید ، طرف چپ مردی مقدس با هاله نور ، نشسته و به معشوقه خود آینه می دهد ، صحنه طرف راست يك شکارگاه است .

در شماره ۴ نیز دومجلس هست که ارتباط آنها را با تصویرهای قبلی به خوبی می توان درك کرد . نقش خورشید در فاصله مجلس ها و نقش زمینه که بومی آسیای غربی است جالب توجه می باشد .





نقاشی‌های مانوی به شکل فرسکوها (نقاشیهای دیواری بزرگ) مینیاتورها و نقاشیهای بر روی ابریشم بسیار برجای مانده است خیلی بیشتر از عمارات و بناهای سنتی است، زیرا مانی خود نقاش بود و نقاشی یک بستگی بنیادی با آئین مانوی داشت، مانی که در ادبیات فارسی ملقب به نقاش چین است (درین مورد مقصود ترکستان در مرکز آسیاست) و درباره وی بسیار شعر سروده شده و خوانده‌ایم، معجزه‌ای جز نقاشی نداشت و معتقد بود که نقاشی خوب مظهری است از طبیعت زنده و حیوان اندیشمند که در عرفان اصیل چیزی نیست جز خدا.<sup>۱</sup>

این روحیه و نحوه تفکر مانوی حتی در اعصار متأخر نیز قابل تشخیص است، در اول قرن نوزدهم هنگامی که میر عبدالکریم بخارانی از مانی و محل احتمالی قبر وی در ناحیه‌ای از تبت به نام لامبا سخن می‌گوید به این لغت‌گرائی ریشه‌ای در آئین مانی اشاره دارد.<sup>۲</sup>

دانشمند آلمانی کسلر K. Kessler در اثر خود به نام مانی از رساله‌ای که ابوالعالی محمد بن عبیدالله در سال ۴۸۵ هجری تصنیف کرده عبارتی را نقل کرده است که می‌رساند در آن عصر در گنجینه ذخائر غزنه یک نسخه از کتاب مانی نگهداری می‌شود، احتمالاً همان کتابی که به نام ارتنگ خوانده می‌شود.

پرفسورهاید انگلیسی T. Hyde در ص ۲۸۳ در کتاب معروف خود تاریخ ادیان :

Historia religionis veterum Persarum Oxford 1760

می‌نویسد که در کتاب مانی تصویر دو معبد نیز بوده است که یکی در قلبیله و دیگری چگل واقع بوده‌اند، این دو موضع را امروز نمی‌شناسیم، هاید نیز منبع خود را در باب این خبر ذکر نکرده است.<sup>۳</sup>

درین که کتابهای مانویان همیشه مصور و مزین بوده شکی نداریم در ص ۹۳

مجموعه سن اهرم این مطلب را این چنین ارائه می‌کنند: «شما برای تهیه کتاب مقدس خود که این چنین زیباست چه خرج‌ها که نمی‌کنید» خطاب به مانوی‌ها.<sup>۴</sup> یک متن چینی در باب انهدام مانویان و آثارشان در سال ۲۳۱ هجری می‌نویسد که سرداران عمال خود را واداشتند که نقاشیها و کتابهای مقدس مصور مانویان را گردآوری کنند و در معابر و میدانها بسوزانند.<sup>۵</sup>

جا حظ نیز که از آثار زیبای مانویان سخن می‌گوید نوشته است که این آثار از نقطه نظر زیبایی و تزئینات مشابه بوده است با کتاب مانی که امروز در دست برخی از پیروان مانی دیده می‌شود، اما از ترس همه را مخفی ساخته‌اند.

با بررسی نقاشیهای برجای مانده به این نتیجه می‌رسیم که برای ساختن این آثار کاغذهای بسیار مرغوب به سفیدی برف می‌ساختند که در همه رشته‌های کتانی یا پنبه‌ای نیز بکار می‌رفته است، از ابریشم و پوست نیز برای نوشتن استفاده می‌کرده‌اند بهترین مرکب سیاه را در اختیار داشته‌اند اما هیچوقت یک صفحه را فقط با رنگ سیاه نمی‌نوشتند عنوانهای فرعی با مطالب مهم را همیشه در هر جای صفحه که بود با مرکب رنگی می‌نوشتند نارنجی، آبی سیر و روشن، سرخ و سبز رنگهای مطلوب ایشان بود، در نقاشیهای مانوی همیشه یک رنگ زمینه وجود داشت که به تناسب ممکن بود آبی، سبز یا سرخ باشد، در آثار اولیه نقاشی ایرانی نیز این رویه رابه کار می‌بستند و یکی از دلایل قدمت نقاشیهای کتابی، بخصوص آنها که به اعصار پیش از تیموریان تعلق دارند همین رنگ زمینه‌هاست، اما نقاشان مسلمان یا مانویان متأخر به مرور از توجه به رنگ زمینه‌ها که با حالت خاص مجلس‌ها بستگی داشت غفلت کردند رنگ زمینه ممکن بود که در چندین نقاشی گوناگون از شاهنامه یا جامع‌التواریخ یا کلیله و دمنه یکنواخت بماند. رنگ زمینه در نقاشی‌های سنتی

هندی و نقش دیواره‌های قصور در آسیای مرکزی نیز رعایت می‌شد.

شکل کتابهای مصور مانوی متفاوت بود، برخی به شکل طومار بود و پیچیده می‌شد، که در زبان لاتین بدانها ولومن Volumen و در ترکی او یغوری تاگرینچ گفته می‌شد، برخی نیز شبیه بود به مجموعه‌های هندی که بدان پاتی می‌گویند و عبارتند از مجموعه الواح چوبی که از یکسو با نخهای استوار بهم بسته شده‌اند. صحافی کتابها به بهترین رویه انجام می‌شد و هم‌اکنون نیز از معاینه آثار برجای مانده می‌توان به این حقیقت پی برد. تزئینات و آرایشهای کتابها تحت تأثیر هنرهای ایرانی - باختری ابداع می‌شد اما از نفوذ کتاب‌آرایی مصری نیز بدور نمانده بود.<sup>۶</sup>

۱- در شاهنامه فردوسی بسیار از مانی صحبت می‌شود، فردوسی مانی را بدینگونه معرفی می‌کند :

بیامد یکی مرد گویا ز چین

که چون او مصور نه بیندزمین

بدان چرب دستی رسیده به کام

یکی برمنش مرد مانی به نام

بصورت گری گفت پیغمبرم

زدین آوران جهان برترم

ظهور مانی در عصر شاپور ذوالاکتاف بود. نگاه کنید به ص ۲۵۰ و ص ۲۵۱ جلد هفتم شاهنامه چاپ مسکو و نیز ابیات شماره ۵۷۶ و ۵۸۰ و ۵۸۵ و ۵۹۷ که مانی را صورت پرست می‌خواند نمونه‌ای از این ابیات را در اینجا نقل می‌کنم. هنگامی که مانی خود را به شاه معرفی کرد و شاه نظر موبدان را خواست :

بگفتند کین مرد صورت پرست

نه بر مایه موبدان موبد است

و هنگامی که موبد از او بازخواست و سؤال می‌کند :

بدو گفت کای مرد صورت پرست

به یزدان چرا آختی خیره دست

به برهان صورت چرا بگروی

همی پند دین آوران نشوی





تصویری از يك نسخه قدیمی سمک عیار ، این کتاب را صدقه بن ابی القاسم شیرازی نوشته است و فرامرز بن خدا داد بن عبدالله الکاتب الراجانی در سال ۵۸۵ شروع به گردآوری آن کرده است . دو جلد از سه جلد آن متعلق است به کتابخانه بدالیان و در سال ۱۹۳۰ در برلینگتن به نمایش گذارده شد ، در مجلد اول ۲۵ تصویر هست . در مجلد سوم دوازده مجلس ، در این صحنه فرخ روز و گلرو (در خود تصویر گلبو) معاشره و گریه می کنند. از سمک عیار جزین نسخه مصور ناقص هیچ نسخه دیگری در دست نیست . اما استاد خانلری با استفاده از ترجمه ترکی متن آن را تکمیل و به چاپ رسانده اند .

مشابهت این صحنه با فرسک های آسیای مرکزی جالب توجه است ، نقش لباسهای حاضران در صحنه نیز ساسانی است . این تصویر را از کتاب نقاشی ایرانی بی بیون ، ویکلیسنس ، گری ص ۴۱ گرفته ایم .

باب مانی آمده گردآوری و منتشر ساخت لندن ۱۹۱۲

۵- این متن به نام Hisn t'any Chu و حاوی مطالب مهم در باب آسیای مرکزی است که دو یلار سابق الذکر از آن استفاده بسیار کرده است نگاه کنید به مقاله وی ص ۱۸۲۴  
۶- مونره دو یلار در اثر دیگر خود La Scultra ad ahna بزبان ایتالیائی که در میان سال ۱۹۲۳ منتشر ساخت به این مطلب اشاره دارد، ص ۶۶۹ نگاه کنید به زیر نویس شماره ۲ مقاله وی در بررسی هنری ایران، پوپ ص ۱۸۲۵ .

این مطلب را اوگو مونره دو یلار دانشمند ایتالیائی از ص ۲۳۸ کتاب وی اخذ کرده و می نویسد که لامبا همان لامبوست که در محل بدان جاجی لامبو یا جاسی لامبو گفته می شود .

۳- در باب منابع مهم و تحقیقات اروپائیان در شناسائی مانی و ارتباط فلسفه دین وی با نقاشی نگاه کنید به پاجر فی شماره ۳ مقاله بستگی های هنر ایرانی با هنر مانوی به قلم اوگو مونره دو یلار ص ۱۸۲۴ ، بررسی هنر ایران .

۴- برای نخستین بار میچل C. W. Mitchell دانشمند انگلیسی آنچه را که در مجموعه سن ایزم ( Saint Ephraim متوفی ۳۷۳ میلادی پیشوای روحانی سربانیهای آسیای غربی در

گرین صورت کرده جنبان کنی سزد گر ز جنبنده برهان کنی و سرانجام شاه مصمم به قتل وی می شود و می گوید :

چنین گفت کاین مرد صورت پرست ننگجد همی در سرای نشست و نیز نگاه کنید به مانی اثر فلوگل که در ۱۸۶۲ در لیزبیک به چاپ رسیده و از تحقیقات مهم درین باره شمرده می شود و صفحه ۱۸۲۳ بررسی هنر ایران ، پوپ .

۲- میرعبدا لکریم تاریخی در باب آسیای مرکزی نوشته که شفر C. Schepher در سال ۱۸۷۶ آنرا تصحیح کرده و به چاپ رسانده است ،